



## نقش تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی

فاطمه نیرومند پسند<sup>۱</sup>، سید حسام‌الدین حسینی<sup>۲</sup>، عبدالجبار زرگوش نسب<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. f.niromandpasand@yahoo.com  
<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. shesamhosseini@yahoo.com  
<sup>۳</sup> دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. A.zargooshnasab@ilam.ac.ir

### چکیده

افساد فی الارض باعث رفتارهایی است که در صورت ارتکاب موجب اخلال نظام اجتماعی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ثبات و قرار شهروندان را از بین می‌برد. افساد فی الارض انجام هر عملی است که مسیر عادی و سلامت امنیتی یا اخلاقی یا اقتصادی جامعه را بر هم بزند. نقش تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی از موضوعاتی است که مورد اقبال قرار نگرفته است. سؤال مهمی که در این تحقیق مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که تشکیل حکومت عدل چه تأثیری بر دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی دارد؟ این تحقیق به روش تحلیلی- توصیفی بوده و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی سؤال پرداخته شده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام و دستورات خداوند و تحقق عدالت است. از طرفی افساد فی الارض که مصادیق زیادی را در بر می‌گیرد با نادیده‌گیری عدالت مرتبط است. ویژه‌خواری و فساد اداری، خویشاوندگرایی و قبیله‌گرایی به‌عنوان مصادیقی از فساد فی الارض تلقی می‌شوند که ارتباط تنگنا با عدالت دارند زیرا ویژه‌خواری شامل اختلاس، رشوه و همچنین خویشاوندگرایی در تعارض با فلسفه تشکیل حکومت عدل اسلامی بوده و در واقع یکی از ضروریات تشکیل حکومت مقابله با چنین جرایمی است که بنیان عدالت اجتماعی را از بین می‌برد. با توجه به داده‌های تاریخی، ایجاد یک حکومت عادل اسلامی نقش مهمی در رونق هنرهای اسلامی داشته است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش حکومت عدل در دفع افساد فی الارض.

۲. بررسی نقش حکومت عدل در هنر اسلامی

### سؤالات پژوهش:

۱. نقش حکومت عدل در دفع افساد فی الارض چگونه است؟

۲. نقش حکومت عدل در هنر اسلامی چگونه است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۶۲۰ الی ۶۳۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

حکومت عدل، افساد فی الارض، هنر اسلامی.

### ارجاع به این مقاله

نیرومند پسند، فاطمه، حسینی، سید حسام‌الدین، زرگوش نسب، عبدالجبار. (۱۴۰۱). نقش تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۶۲۰-۶۳۵.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.36.4](https://dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.36.4)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.39557.1944](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.39557.1944)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

افساد در اصطلاح مفسران اندکی متفاوت است با آنچه فقهای گرانقدر اسلام فرموده‌اند. مثلاً مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: هرگونه کج‌رفتاری افساد است (طوسی، ۱۴۱۳: ۳/۴۱۶). در تفسیر مجمع‌البیان اعمالی از قبیل تغییر دین و تحریف کتاب و جلوگیری مردم از گرایش به دین افساد دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۵۲: ۱/۷۳). مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد و همه افراطها و تفریطها در شکل مسائل فردی و اجتماعی هنری مصداق فساد است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱/۲۱۴). یکی دیگر از مفسرین معتقد است که از نظر پیامبران و مصلحان عالی قدر روش و اعمال منافقین فساد در زمین است؛ از این جهت که این روش منشأ فساد استعدادهای فکری و اخلاقی افراد بشر می‌شود و چون انسان ثمره خلقت و زمین است فساد انسان، فساد زمین است، یا از این جهت که فساد قوای بشری موجب بایر ماندن زمین و بهره نگرستن از استعدادهای آن می‌گردد و یا اینکه دو نتیجه بقای نظام فاسد و عمل مؤثر در یکدیگر است (طالقانی، ۱۳۹۰: ۱/۴۷۳). به همین لحاظ است که اساس جامعه اسلامی بر مبنای عدل و اصلاح است که هر دو در تضاد ماهوی با فساد قرار دارد. آیات قرآن کریم نیز بر اساسی بودن عنصر عدالت در حکومت الهی تأکید می‌کنند. عکس آن، مصداق فساد دانسته شده است. در روایات اسلامی نیز به جایگاه عدل در اداره جامعه این چنین اشاره شده است: «انَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سَبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالَفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَ لَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۲۴)؛ همانا عدالت میزان خداوند سبحان است که در میان خلق قرار داده و برای برپایی و قوام حق نصب فرموده است؛ بنابراین درباره میزان خداوند با او مخالفت، و با سلطنت او معارضه نکنید «العدلُ نظامُ الأُمرة» (همان: ۴۴۶).

عدل، سازمان‌دهنده حکومت و هنر است. «ملاک السياسة العدل»: معیار سیاست، عدل است. «فی العدلِ الإقتداء بِسُنَّةِ اللَّهِ وَ ثَبَاتِ الدَّوْلِ» در عدالت، اقتدا به سنت خداوند و برقراری دولت‌هاست. در مجموع می‌توان گفت که حکومت در اسلام معادل قوام و اصلاح کار مسلمین در جهت مصالح دنیوی و اخروی آنها بر مبنای عدالت است؛ درحالی که فساد با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی آن، درست در نقطه مقابل این امر قرار دارد. براساس آنچه گفته شد سؤال اساسی که در این زمینه مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که تشکیل حکومت عدل اسلامی چه نقشی در دفع افساد فی الارض در حکومت اسلامی دارد؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که افساد فی الارض مصادیق متعددی دارد اما آنجا که به عدالت مرتبط می‌شود، فساد اداری شامل اختلاس، ارتشا و همچنین خویشتاوندگرایی از مصادیقی از افساد فی الارض می‌توانند تلقی شوند که ارتباط مستقیمی با عدالت و ضرورت تشکیل حکومت عدل اسلامی داشته و حکومت عدل اسلامی وظیفه مقابله با چنین جرایمی را بر عهده دارد. افساد فی الارض در از بین بردن و ربودن آثار هنری نیز به چشم می‌خورد. در راستای بررسی فرضیه و پاسخ به سوال مورد اشاره ابتدا مفهوم افساد فی الارض در فقه مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به نقش حکومت عدل اسلامی در دفع افساد فی الارض در تمامی امورات از قبیل اداری، هنری، اقتصادی، اجتماعی پرداخته می‌شود.



بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

## ۱. مفهوم افساد فی الارض

در این گفتار مفهوم افساد فی الارض تبیین و تحلیل می‌شود.

### ۱.۱ مفهوم فساد از منظر فقه

فساد در لغت، به معنای تباهی، ویرانی، نابودی، فتنه، آشوب، کینه، دشمنی، ستم و پوسیدگی است (عمید، ۱۳۶۷: ۴۵۶). فساد در زبان عربی این‌گونه تعریف شده است: «الفسادُ خروج الشيء عن الاعتدال، قليلاً كان او كثيراً و يصاده الصّلاح و يستعمل ذلك في النّفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶). فساد، خارج شدن شیء از حالت اعتدال است؛ کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن صلاح است. فساد در نفس، بدن و چیزهایی که از اعتدال خارج می‌شوند؛ کاربرد دارد. الفسادُ نقض الصّلاح، فسَدَ فسِدًا و فسِدًا و فسَدًا فساداً و فسوداً... و المفسدةُ خلاف المصلحة، والاستفساد خلاف الاستصلاح (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵). فساد، ضد و مخالف صلاح است و از سه باب فسَدَ، يفسدُ و يفسدُ و فسَدَ با مصدر فساد و فسود آمده است. مفسده خلاف مصلحت و استفساد خلاف استصلاح است. اهل لغت، فساد را در مقابل صلاح و افساد را در مقابل اِصلاح قرار داده‌اند. اِفساد، یعنی پدید آوردن تباهی و نابسامانی (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷۴) و اِصلاح یعنی سامان بخشی و زدودن فساد و تباهی.

از آنجاکه اشیاء با اضداد خود بهتر شناخته می‌شوند؛ برای درک مناسب‌تر مفهوم فساد، معنای صلاح را نیز اختصاراً بیان می‌کنیم: خداوند در سوره الاعراف آیه ۵۶ می‌فرماید: الصّلاحُ ضدّ الفساد. و هما مختصان فی اکثر الاستعمال بالافعال و قوبل فی القرآن تارةً بالفساد وتارةً بالسيئه. قال تعالى: ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها (الاعراف/ ۵۶) خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً (التوبه/ ۱۰۲). صلاح، ضد فساد است و آن دو بیش تر جاها در افعال به کار برده شده‌اند. صلاح در قرآن، گاه در برابر فساد قرار گرفته است. همانند: ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها: و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. و گاه در برابر سیئه، همانند: خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً: کار شایسته را با (کاری) دیگر که بد است؛ درآمیخته‌اند.

همچنین راغب اصفهانی در کتاب مفردات چنین آورده است: «فساد، خارج شدن چیزها از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن «صالح» است. فساد در نفس و بدن و چیزهایی که از اعتدال خارج می‌شوند، کاربرد دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۰: ۱۷۶). فساد می‌تواند در همه مسائلی که بشر با آن سر و کار دارد رخنه کند، فساد اخلاقی، فساد مالی، فساد اداری، فساد هنری. همه مصادیقی از این واقعیت هستند. متأسفانه با دور شدن انسان از معنویت و پیوند روزافزون وی با زندگی ماشینی، روز به روز موضوع فساد در زندگی انسان‌ها نمود بیشتری پیدا می‌کنند. فساد و ایمان دو کفه ترازو هستند، هرچه ایمان سست‌تر باشد، فساد بیشتر خواهد بود، و هرچه کفه ایمان و پایبندی به اصول اخلاقی

و معنویات سنگین‌تر و رابطه‌اش با انسان محکم‌تر باشد، در کفه دیگر ترازو، فساد جایگاهی برای جولان نخواهد داشت. در این زمینه، علاوه بر بررسی تأثیر معنویت بر مقابله با فساد، می‌توان با تدوین استراتژی‌های مناسب با توجه به اصول حکمرانی مطلوب و همچنین استفاده از رهنمودهای معصومین (ع) و آیات نورانی قرآن مجید، به مقصود نزدیک‌تر شد. البته نیل به این هدف همتی بلند نیز می‌طلبد، از انسان‌ها ایمانی قوی‌تر و از مسئولان و دولت‌مردان تلاشی مضاعف. فساد در اصطلاح فقه بیرون رفتن از حد اعتدال است که با سوءاستفاده از امکانات و منابع عمومی در جهت کسب منافع شخصی متبلور می‌شود. از لحاظ حقوقی نیز، رفتار منحرف شده از ضوابط و وظایف رسمی یک نقش عمومی است که بنا به ملاحظات خصوصی یا ملاحظات قومی و منطقه‌ای رخ می‌دهد (دلآوری، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

طبق تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل نیز، فساد، سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است، که این تعریف مورد قبول همگان است. در واقع حد و چهارچوبی فرضی در نظر گرفته شده است که هر فعل یا ترک فعلی که خارج از این چهارچوب بوده و از آن عدول کند، فساد اداری تلقی خواهد شد. بدیهی است چنین تعریفی وقتی جامع است که قوانین و حدود آن کاملاً واضح و فراگیر باشد. فساد در جامعه نسبی است و با نظام ارزشی هر جامعه تعریف می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۵۵).

## ۱.۲. مقصود از فی‌الارض

با وجود روشن بودن معنای این عبارت، در مورد اینکه مقصود از «فی‌الارض» چیست، دو احتمال وجود دارد: احتمال نخست آن است که محل حلول فساد و ظرف ارتکاب این گناه کره خاکی زمین است. به این ترتیب افساد فی‌الارض بر هر گناهی که در روی زمین صورت گرفته باشد، صادق خواهد بود؛ هر چند گناهی کوچک و در محلی دور از چشم دیگران مثلاً خانه‌ای بوده و اثر تخریبی آن از همان محدوده کوچک فراتر نرود. احتمال دیگر آن است که قید «فی‌الارض» کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای بر پا کردن فساد در منطقه یا ناحیه‌ای از زمین باشد. این احتمال با برداشت مفسران و فقها - چنان که خواهد آمد - و نیز فهم عرفی از این عبارت مناسب‌تر است. معنای افساد فی‌الارض مطابق قول نخست برپا کردن فساد در منطقه و یا ناحیه‌ای از زمین است. تحقق چنین فساد به آثار تخریبی گسترده و وسیع است. براساس قول دوم، معنای «فساد فی‌الارض» نیز عبارت است از کوشش و تلاش مستمر برای بر پا کردن فساد و آلوده‌سازی ناحیه و منطقه‌ای از زمین. قید تلاش و کوشش از عبارت (یسعون) و قید برپا کردن فساد در ناحیه‌ای از زمین از عبارت (فی‌الارض) و قید تداوم و استمرار عمل و اصرار بر آن از هیأت مضارع (یسعون) به دست می‌آید (گلپایگانی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۳).

## ۲. مفهوم افساد فی‌الارض از منظر قرآن و روایات

در ۴۹ آیه از آیات قرآن کریم مشتقات واژه «فسد» استعمال شده است که نشانه اهمیت این موضوع است. فساد به معنای نقیض صلاح و ضد صلاح به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۱/۷؛ جوهری، ۱۴۲۰ق: ۲ و ۱۲۶/۶). همچنین واژه «فسد» و «فساد» به معنای زوال صورت از ماده (خوری، ۱۳۷۴: ۱۶۳/۱) و تغییر، بطلان و اضمحلال (زبیدی،

۱۴۱۴ق: ۵ و ۱۹/۱۲۴) لهو و لعب (خوری، ۱۳۷۴: ۱۶۳)، قحط و خشکی (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ و ۱۲۱/۱) و گرفتن مال به صورت ظالمانه به کار رفته است که همگی این معانی را می‌توان از مصادیق معنای نخست (ضد صلاح) برشمرد. راغب، فساد را به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال دانسته و می‌نویسد: الفساد خروج الشی عن الاعتدال، قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً و يصاده الصلاح و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة (راغب، ۱۴۲۴: ۱۶۳). در آیین یهودیت فساد یعنی به دست آوردن مال با توسل به زور و غیر قانونی. تعریفی که راغب از فساد ارائه می‌دهد، به نظر می‌رسد تعریف جامعی است که مصادیق دیگر فساد را نیز در خود جای می‌دهد. تتبع در آیات قرآن نیز مؤید کلام راغب است؛ زیرا به رغم آنکه فساد در آیه «ظهر الفساد في البر و البحر بما كسبت ايدي الناس (سوره روم، آیه ۴۱). به معنای قحط و خشکی و در آیه «للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً (سوره قصص، آیه ۸۳)» به معنای گرفتن مال دیگری به قهر و غلبه و به صورت ظالمانه و در آیه «لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۲۹۳). به معنای بطلان و اضمحلال به کار رفته است، لیکن قدر جامع همگی آن‌ها تحقق امری بر ضد صلاح و خارج شدن امر از حالت اعتدال است. با توجه به معنای لغوی فساد می‌توان قتل، ظلم، کفر، جنگ، تضييع حقوق دیگران و اخلال در احکام الهی، قوانین و مقررات اسلامی را که همگی ضد اصلاح‌اند، از مصادیق افساد برشمرد.

### ۳. مصادیقی از افساد

واژه سعی و مشتقات آن در قرآن کریم در ۲۶ مورد به کار رفته است. سعی در لغت به معنای راه رفتن عمل، کسب و تصرف در چیزی قصد کردن (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۳۷۳/۲). دويدن آهسته یا راه رفتنی که بین دويدن و رفتن عادی باشد (جوهری، ۱۴۲۰: ۲ و ۳۴۵/۶). جدیت در انجام کار تلاش، کوشش و جهد و معنای دیگری به کار رفته است. راغب در مفردات می‌نویسد: سعی راه رفتن سریع و تند است که در حد دويدن است. این کلمه برای نشان دادن جدیت در انجام کاری استعمال می‌شود، خواه آن کار بد باشد یا خوب (راغب ۱۴۲۳: ۴۱۱). یکی از محققان نیز پس از بیان معانی مختلف سعی می‌نویسد: «اصل در ماده سعی عبارت است از مرتبه‌ای از جهد و کوشش... این معنا در هر موردی به حسب خودش به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۹ و ۵ و ۳۳۴/۲). با تأمل در معنای سعی مانند عمل، کسب، جهد، راه رفتن سریع و همچنین با توجه به فهم عرف از واژه سعی، این احتمال تقویت می‌شود که هرگاه قرینه‌ای در بین نباشد، باید سعی را به همان معنای جدیت در انجام کار و جهد و کوشش گرفت. در هر حال واژه سعی اگر معنای دیگری نیز داشته باشد، در آیه افساد (سوره مائده، آیه ۳۳) به همان معنای جدیت در امر به کار رفته است (راوندی، ۱۴۰۵: ۱ و ۳۶۵/۲).

### ۴. ضرورت حکومت عدل اسلامی

همه انبیاء الهی به دنبال تشکیل یک حکومت عدل الهی بوده‌اند لذا یکی از مظاهر این امر، عدالت گسترده در جامعه و دیگری ظلم‌ستیزی و مبارزه با ظالمان و طاغوت‌های زمان ایشان بوده است. حتی برخی بر این باورند که اگر پیامبر اسلام و موفق شد این آیین آسمانی را با سرعت در جهان گسترش دهد، دلیل آن این بود که در اولین فرصت دست

به تأسیس حکومت زد و از طریق حکومت اسلامی هدف‌های الهی را تعقیب کرد. بعضی از پیامبران دیگر که ایشان نیز چنین توفیقی یافتند، بهتر موفق به نشر دعوت الهی خود شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۵/۴۲۰-۴۲۱). برخی نیز با الهام از آیه ۲۵ سوره حدید چنین تصریح کرده‌اند که در تمام ادیان آسمانی قدرت و حکومت به‌دست پیامبران بوده و انبیاء مأمور به تشکیل حکومت بوده‌اند (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶: ۱۱/۱۴-۱۲)؛ لذا یکی از اهداف اساسی انبیاء تحقق حاکمیت الهی در جامعه و به‌عبارت بهتر حاکمیت حکومت عدل الهی در جوامع بشری است.

#### ۴.۱. ضرورت ظلم‌ستیزی

برای ریشه‌کن کردن ظلم و ظالم در جامعه اسلامی، زیر بار ظلم نرفتن و نصرت ستم‌دیدگان باید حکومتی تشکیل شود که توان انجام چنین مسئولیت خطیری را داشته باشد (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱: ۱۶۱/۲-۱۶۰). باتوجه‌به سلطه سیاسی و اقتصادی ظالمانه استعمارگران بر مردم، ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم، پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم که امیرالمؤمنین علی ع در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش می‌فرماید: «کونا للظالم خصم» و للمظلوم عون» و نیز در بیان دیگری فرمود: سوگند به آن که بذر را بشکافت و جان را بیافرید، اگر حضور یافتن بیعت‌کنندگان نبود و حجت بر لزوم تصدی من با وجود یافتن نیروی مددکار تمام نمی‌شد و اگر نبود که خدا از علمای اسلام پیمان گرفته که بر پرخوری و غارت‌گری ستمگران و گرسنگی جانکاه و محرومیت ستمدیدگان خاموش نمانند، زمام حکومت را رها می‌ساختم و از پی آن نمی‌گشتم» (سیدرضی، ۱۴۲۵: ۵۰). لذا وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان براندازی حکومت ظالمان و تشکیل حکومت اسلامی است (خمینی، ۱۴۲۳: ۳۶-۳۴).

#### ۴.۲. ضرورت اجرای احکام اسلامی

تأمل در احکام الهی نشان می‌دهد که تحقق بسیاری از این احکام مستلزم وجود یک حکومت عدل اسلامی است. علامه طباطبایی و بر این باور است که اسلام ضمانت اجرای قوانین را در درجه اول به عهده حکومت اسلامی و در درجه دوم به عهده جامعه نهاد، تا تمامی افراد جامعه با تربیت صالحه علمی و عملی و با داشتن حق امر به معروف و نهی از منکر در کار حکومت نظارت کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۱۰۹). بخش دیگری از احکام، در ارتباط با حقوق و امور جزایی است؛ از قبیل دیات که باید گرفته و به صاحبانش داده شود، یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت است و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم برنمی‌آید (موسوی خمینی، ۱۴۲۳: ۳۴). به‌عنوان نمونه آیه «إنما جزؤا الذین تحاربون الله ووشوله. ویسعون فی الأرض فسادا أن یقتلوا أو یصلبوا...» (المائدة/۳۳) که اجرای احکام و حدود الهی، در سایه برپایی نظام و حکومت اسلامی میسر است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳/۷۶). هنگامی که روش‌های اخلاقی و تربیتی در جهت ایجاد امنیت اجتماعی مؤثر نباشد، ناگزیر باید برای صیانت جامعه از هرگونه تهدید و تعرض، از راه‌های بیرونی استفاده کرد. در این راستا، علاوه‌بر استفاده از «دیوان قضا»، که از دوران پیامبر (ص) وجود داشت، نهادهای جدیدی



چون «دیوان مظالم» و یا «سازمان شرطه الخمیسی» تأسیس شد و ابزارهای دیگری مانند محبس (زندان) نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

یکی از بارزترین و مهم‌ترین مراکز دولت اسلامی، نهاد قضا است که امروزه تحت عنوان قوه قضائیه و دستگاه دادگستری در تمامی جوامع انسانی وجود دارد و از نقش و اهمیت به‌سزایی برخوردار است. دستگاه قضایی و دادگستری سالم، در جلوگیری از عصیان و آشوب و حفظ صلح و امنیت کشور، نقش بسیار مؤثری دارد. بنابراین اگر این نهاد به خوبی از عهده وظایفش برنیاید، بی‌عدالتی و هرج و مرج بر جامعه حکم فرما خواهد شد. دیوان قضا در سیره حکومتی امام علی (ع)، وسیله‌ای برای احقاق حق ستم‌دیده از ستمگر است و در محکمه عدل او ظالم و مظلوم، مدعی و مدعی علیه و هر کس از هر طبقه‌ای که بود، در یک ردیف می‌نشست و به یک چشم نگریسته می‌شد و بدون هیچ ترجیحی، باطل محکوم می‌گشت و حق به صاحبش می‌رسید. در حکومت امام (ع) هیچ تفاوتی میان مردم از نظر دین و مذهب، مقام و موقعیت وجود نداشت و پول، پارتی و زد و بند، نتیجه را به سود کسی و ضرر کسی تغییر نمی‌داد (معینی‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

دیوان عدل و قضا در حکومت علوی، که مهم‌ترین شرط جریان آن متصف بودن به صفت «عدل» بود، از جمله مراکز مهم دولت به‌شمار می‌رفت و مساجد هر شهری به‌عنوان مقر قضایی محسوب می‌شدند. چنانکه خود حضرت علی (ع) در کوفه در مسجد به امر قضا و داوری میان مردم می‌پرداختند و از همان جا، سایر امور حکومتی نظیر آموزش و تعلیم، تعیین و اعزام عمال و کارگزاران و نیز تدارک سپاه را رهبری و فرماندهی می‌کردند.

##### ۵. نقش حکومت عدالت اسلامی در مقابله با افساد فی الارض با استفاده از هنر اسلامی

در این مبحث به بررسی نقش چگونگی استفاده از نقش هنر در حکومت عدالت اسلامی در مقابله با افساد فی الارض پرداخته می‌شود. به همین منظور لازم است به ابعادی از افساد فی الارض پرداخته شود که به مفهوم عدالت اسلامی و ایجاد نظم و امنیت عمومی در حکومت عدل اسلامی مرتبط است.

در کنار عوامل مؤثر بر وقوع جرم، نمی‌توان نقش هنر و هنرمندان را بی‌تأثیر دانست. وقتی افراد از کودکی عادت به دیدن صحنه‌های خشن داشته باشند، وقتی جوانی می‌بیند که ستاره سینمایی محبوبش به راحتی قانون‌گریزی و قانون‌شکنی کرده و رسانه‌ها هم این رذیلت او را به‌عنوان فضیلت بیان می‌کنند، آیا راهی برای تسلیم‌شدن در برابر جرم برایش باقی می‌ماند؟! اما از همین ابزار مهم که مانند شمشیری دو لبه می‌تواند کمک‌رسان یا تخریب‌گر باشد می‌توان برای پیشگیری از وقوع جرم استفاده کرد. می‌دانیم آمار توجه به رسانه‌های تصویری نسبت به کتاب‌خوانی در جامعه پایین آمده و نسبت ساعاتی که افراد به‌خصوص جوانان به تماشای تلویزیون مشغولند کم نیست، چه جایی بهتر از این عرصه ی فراگیر برای ترویج فضیلت‌های اخلاقی و آموزش غیرمستقیم اخلاق موثر در پیشگیری از جرم. اما در همین زمینه معاون پیشگیری از وقوع جرم در قوه قضائیه نیز نظری مشابه دارد. هنرمندان در ترویج فرهنگ پیشگیری از جرم در جامعه نقش مؤثری دارند. هنر، نیرومندترین وسیله ارشاد است. تأثیر هنر در روح آدمی و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم و ساخت اخلاقی با فضیلت غیرقابل انکار است (امین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴).



واژه هنر به طور طبیعی تداعی کننده زیبایی و جمال است. عالم هستی و پدیده‌های آن، همه جلوه‌هایی از هنر خداوند هستند. اگر هنر از آبخور ایمان سیراب شود و از ارزش‌های الهی و آسمانی بهره گیرد، نردبانی می‌شود به بام حقیقت و به سرمنزل فلاح و زمینه و مددی برای خودسازی. اخلاق، جاده هنر است و تکنیک، مرکب هنرمند. در این صورت هنر نیرومندترین وسیله‌ی ارشاد و تبلیغ و برنده‌ترین سلاح برای مبارزه با شرک و نفاق و فساد خواهد بود. با اشاره به این نکته که هنر متعهد، راهنما و راهبر به سوی قله‌های زیبایی معنویت و کمال روحی انسان است.

از سوی دیگر جرم، دارای زمینه‌ها و بسترهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. جرم معلولی است که علل مختلفی در آن دخالت دارند و بسیاری از این علل در کمند و مهار هنر هستند. هنر و خلق آثار هنری می‌تواند، هم انسان‌ها را به انحطاط و کجروی وا دارد و هم از انحطاط و کجروی مصون دارد. برخی از فیلسوفان عمیق هرمنوتیک امروز مباحث خویش را از هنر و زیبایی‌شناسی آغاز می‌کنند، می‌گویند: در مقام فهم و تفسیر افعال آدمی، هنر نقش ویژه‌ای دارد؛ بنابراین هنر، هم در فهم فعال آدمی و هم در رساندن پیام وی نقشی بی‌بدیل دارد. بر همین اساس باید هنرمند به‌عنوان رساترین زبان برای انتقال ایده‌های شریف مورد توجه باشد و تشویق هنرمندان متعهد جامعه و نیز پرورش هنرمند یک اقدام اساسی تلقی شود. هنر، حقیقتی بسیار فاخر و عطیه‌ای از جانب پروردگار است.

یکی از عواملی که در کنار سایر عوامل باعث فراهم‌شدن زمینه جرم می‌شود، بحث نداشتن سرگرمی برای اوقات فراغت است که این موضوع به‌خصوص برای جوانان بسیار سخت و خطرناک است که یکی از مسائل بسیار مهم پیدا کردن جایگاه هنر در جامعه و تأثیر آن بر جامعه است. ابتدا باید بیابیم که هنر یا هنرمند، کدامیک تأثیر بیشتری بر جامعه دارند و بعد بر اساس نقش هر یک و تأثیری که بر جامعه و افکار عموم مردم دارند برنامه‌ریزی صحیحی در این زمینه انجام دهیم. این را هم می‌گویند که در عین حال، به‌طور کلی باید به این نکته توجه کنیم که هنر مقوله‌ای گسترده است. انواع هنرهایی که هر کدام به شکلی روی افراد و ذهن آن‌ها تأثیر مثبت دارند بسیارند. مثلاً در زمینه تئاتر یا فیلم، باید نحوه و تأثیر هر یک را بر اذهان مخاطبان سنجید و در این رابطه برنامه‌ریزی مؤثری کرد. فیلم‌ها باید بیان‌گر شکل زندگی باشند. در زمینه سینما، فیلم‌هایی که روحیه امیدواری در مخاطب ایجاد می‌کند و به آن‌ها انگیزه لازم را می‌دهد قطعاً می‌تواند بر جامعه و ذهن مخاطب تأثیرگذار باشد. باید این نکته را دانست و آن را با ظرافت تقویت کرد. مسائل فرهنگی پیچیدگی خاص خود را دارند. اما در عین حال از جایگاه ویژه‌ای هم برخوردارند. اما باید بدانیم که معمولاً بزه‌کار از فرهنگ به دور می‌باشد و از تأثیر آن بهره‌ای نبرده است. در میان مجرمان، خیلی کم هستند افرادی که این تأثیر هنر در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ اما باید بدانیم که قطعاً با برنامه‌ریزی، هنر می‌تواند تأثیر مثبتی بر افراد داشته باشد و نقش مهمی در پیشگیری از جرم.

البته ما نمی‌توانیم از اینکه هنر یا هنرمند می‌تواند نقش به‌سزایی در تلطیف روح افراد و تغییر نگاه آن‌ها به زندگی دارد غافل شویم، خاطرنشان می‌کند: ۹۰ یا ۹۵ درصد مجرمان کسانی هستند که بهره‌ای از مقوله هنر و یا فرهنگ نبرده‌اند. کسی که مطالعه می‌کند، شعر می‌گوید و علاقه به هنر دارد کمتر به سمت بزه کشیده می‌شود و روحیه تبهکاری در

او پدید می‌آید. بر این اساس اگر تعداد بیشتری از افراد جامعه به هنر علاقه‌مند باشند میزان جرم در جامعه کاهش می‌یابد.

### ۵۱. نقش هنر حکومت اسلامی در مقابله با ویژه‌خواری و فساد اداری (به معنای افساد فی الارض)

فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از جانب هر کسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌ای انجام گیرد؛ به گونه‌ای که در اهداف و عملکرد نهادهای دولتی اخلاق ایجاد، و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند. پژوهشگران، فساد اداری را در قالب انواع و گونه‌های مختلفی، شناسایی و تقسیم‌بندی کرده‌اند. در آیات قرآن و روایات اسلامی نیز به انواعی از فساد اشاره شده است. برخی مصادیق فساد، کم‌کاری، رانت‌خواری و تحصیل مال نامشروع جنبه اداری دارند و برخی دیگر هم‌چون اختلاس و رشوه از مصادیق فساد هستند که جنبه اجتماعی یا عمومی هستند.

بر حسب شرایط زمانی و مکانی، ممکن است جرایمی در گروه مصادیق افساد فی الارض قرار گیرند. برای مثال، در برهه‌ای از زمان تجارت سموم مصادق این مبحث فقهی بود و با حد اعدام مواجه می‌شد؛ این در حالیست که علی‌الاصول این نوع تجارت منعی ندارد و اتخاذ چنین تصمیمی مربوط به شرایط آن دوره زمانی می‌باشد. در شرایط اقتصادی جهانی و باتوجه به تغییرات وسیع در مدت زمان کوتاه در کشورهای در حال توسعه، افراد اخلاق‌گر فرصت بیشتری برای ایجاد فساد خواهند داشت.

در مقابل نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشورها در جهت کاهش فساد اقتصادی، قوانینی تنظیم و اجرا می‌کند. مجازات فساد اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که هم هیچ متخلفی نتواند از آن فرار کند و هم پیش از بروز فساد، بازدارنده باشد. یعنی متخلف را قانع کند که اختلاس، ارتشا و امثال آن سودآور نیست. تفکر فوق باعث شد تا پس از رهایی از فتنه‌های خارجی و داخلی و دفع شر دشمن بعثی، در سال‌های انتهایی دهه ۱۳۶۰ قانون‌گذار به فکر اصلاح قانون و تقویت جنبه بازدارندگی آن افتاد. هم‌اکنون و پس از تغییرات رخ داده، جرایم اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، بر طبق یکی از قوانین مجازات اخلاق‌گران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس، قانون تشدید مجازات جاغین اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و نهایتاً مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی اثبات و می‌گردد. در میان این قوانین، دو مورد، ضمن تعریف عناصر مادی و معنوی جرم، به صراحت برخی از اقدامات اخلاق‌گران اقتصادی را مصادق افساد فی الارض دانسته و مشمول حد اعدام معرفی می‌کند. این دو قانون عبارتند از:

الف) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ عنوان داشته «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امرار تشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری

و در آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند؛ در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود». در این ماده، چنین بیان شده است که اگر اعمال مذکور صدق عنوان افساد فی الارض کند، شخص مفسد فی الارض خواهد بود، بنابراین تعیین افساد فی الارض بودن اعمال مذکور را به عهده قاضی گذاشته است.

(ب) قانون اخلاص گران اقتصادی

در مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ چنین آمده است:

ماده ۱- ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می شود:

(الف) اخلاص در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه، قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع کردن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن؛

(ب) اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن‌ها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها؛

(ج) اخلاص در نظام تولیدی کشور از طریق سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشا و ارتشا عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها؛

(د) هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگر چه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است. مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد؛

(ه) وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلاص در نظام اقتصادی شود؛

(و) اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلاص در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و ...؛

(ز) تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب کرده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد. تبصره- قاضی ذی صلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هریک از بندهای فوق الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارت وارده و مبالغ مورد سوءاستفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب کند.



ماده ۲- هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در صورت دادگاه به‌عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.

از نظر حقوقی جرایم اقتصادی جرایمی هستند که با انگیزه اقتصادی ارتکاب پیدا جرایم اقتصادی به دست‌های از کرده و دارای ماهیت اقتصادی هستند. رفتارهای غیرقانونی گفته می‌شود که موضوع آن‌ها امنیت اقتصادی در سطح کلان است. بدین ترتیب، جدا از موضوع جرایم اقتصادی که مبهم و موسع است، تنها ویژگی برجسته جرایم اقتصادی که بتوان آن‌ها را از دیگر جرایم باز شناخت، کلان بودنشان است (نورزاد، ۱۳۸۸: ۳۸).

رسانه به‌عنوان ابزاری مهم در عصر حاضر در خدمت هنر است و افرادی که بتوانند با استفاده از هنر این ابزار منظر و عایت نهایی خود را به مخاطبان انتقال بدهند در واقع می‌توانند قوه عاقله و درونی مخاطبین خود را در اختیار بگیرند و هدف و نظر خود را به درست یا غلط به دیگران القا کنند. چه بهتر که این ابزار که پخش برنامه‌های هنری یکی از کارهای آن است، در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد و راه پیشگیری از جرم را در پیش بگیرد. زبان هنر در راه تعالی انسان و پیشگیری از فسادهایی همچون فساد مالی و رانت‌خواری و ویژه‌خواری یا کلاهبرداری، اخلاق در نظام اقتصادی و مختل کردن زندگی میلیون‌ها انسان بتواند از نهایت ظرفیت هنری خود استفاده کند و در راه پیشگیری از آن قدم بردارد.

پخش سریال‌ها، ساخت فیلم‌های کوتاه، ویدیو کلیپ، تیزر پیرامون فسادهای اقتصادی و نشان‌دادن عواقب آن‌ها، چگونگی اعلام جرم و... می‌تواند اقدامات در خور توجهی در این زمینه باشد. از طرفی ارتباط رسانه با مردم موضوعی است بیان نظرات، تعامل رسانه با دستگاه قضایی می‌تواند اقدامات در خور توجهی باشند. رسانه‌ها برای پاسخگویی به نیاز مخاطبان خود، ناگزیر از ارائه اخبار مهم و پوشش آن هستند. بررسی مطبوعات از جهات مختلف همچون، نقش، جهت‌گیری مطالب، سبک و... میزان اثرگذاری آن‌ها را در سطح جامعه و نقشی که می‌توانند در تصویر کلی که از رسانه‌ها متصور است، شاید تداعی امر مبارزه کمی مشکل باشد اما مشخص می‌گردد که مطبوعات فارغ از اهمیت جرایم اقتصادی، پرداختن بیش از حد معمول به اخبار این جرم، ارائه تحلیل توسط کارشناسان، مصاحبه با افراد مسئول در این زمینه، ارائه آموزش‌های لازم و توضیح در خصوص نحوه اتفاق افتادن جرم، پیگیری‌های مکرر و... آیا فقط نشان از ارائه خبر اطلاع‌رسانی داشته‌اند، یا اینکه می‌توان تصور کرد، مسئولان مطبوعات با احساس وظیفه در این زمینه با توجه به امکانات موجود در اختیار، به این روش رسالت خود را به انجام رسانده‌اند و جامعه را در ایجاد فضای سالم و عاری از جرم برای زندگی شهروندان یاری کرده‌اند.

## ۵۲. نقش هنر در حکومت عدالت اسلامی در مقابله با مفسد اخلاقی مصداقی از فساد فی الارض

مفسد اخلاقی به‌عنوان یکی از ناپسندترین جرم‌هایی است که امکان ارتکاب آن در حد وسیع در جامعه به‌خصوص جامعه دینی وجود دارد. بنابراین این فساد در لابه‌لای زندگی همگان می‌تواند رسوخ کند و زندگی بنیان خانواده را از

هم بیوشاند. هنر، نقطه مقابل جرم است. اصولاً دارای یک ارتباط خاص با انسان‌هاست. معمولاً آدم‌ها آنچه را که در تخیلات و ایده‌آلشان است به تصویر می‌کشند و به نحو خوبی منعکس می‌کنند. در ارتباط با هر هدفی از جمله پیشگیری از جرم از آنجایی که هدف هنر برانگیختن عواطف مخاطب است، اگر هنرمند بتواند نماد پدیده جرم را در مخاطب تصویر کند؛ بنابراین جایگاه می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود. برای مثال، در عرصه سینما و در بحث اعتیاد، هنر در این عرصه اثر احساسات طرفی که فیلم را می‌بیند در مدت زمان تماشای فیلم جهت می‌یابد و اثر مطلوبی روی فرد می‌گذارد. هنر از آنجایی که نگاه نهایی و تأثیرگذاری بر احساس و عاطفه دارد، مهم‌ترین محرک در تصمیم‌گیری و جهت‌دهی بوده و در ارتباط با پیشگیری از جرم بسیار مؤثر است. البته همه این اتفاقات مشروط بر این هستند که هنرمند در حوزه فعالیت خود، تخصص خاص داشته باشد و بتواند پیام خود را طبیعی در غالب فیلم غیرمستقیم انتقال دهد (نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۷).

در سن جوانی و خیلی پایین معمولاً افراد علاقمند هستند تا به تمامی آمال و آرزوهای خود برسند. بدون تجزیه و تحلیل کار جدا از قانون باید در این زمینه افکار را به سمت مناسبی شکل داد (داوری اردکانی، ۱۳۸۸: ۳۴). به این دلیل که رسانه عام که با همه در ارتباط و تأثیرگذار باشد هنر است و می‌توان از این عرصه به نفع جامعه و مقابله با جرم سود برد. به شرطی که در آن شکل متعارف معمول در زندگی مردم، همچنین تعریف و تجزیه و تحلیل ارایه راهکار هم برای آن در نظر گرفته شده باشد.

هنر ریشه در احساس و عاطفه و برداشت آمیخته با شخصیت انسانی دارد. دنیای هنر آلوده به منافع و منابع و از این دست مسائل نیست. باید وحدت در بین هنرمندان وجود داشته باشد تا مؤثر واقع شود و معتقدم که هنر یکی از روش‌های مقابله با جرم است. برای پیشگیری هنر ژانرهای مختلفی دارد، هنرهای هفت‌گانه هر کدام نقش‌های خاص خود را در پیشگیری از جرم دارند. اغلب این اتفاق رخ می‌دهد که افراد با نگاه به زندگی شخصی فرد محبوب در جامعه می‌کنند و همه تیتیر رسانه‌های روز به نام و اتفاقات روزمره او ختم می‌شود و افراد در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی اتفاقات روزمره او را دنبال می‌کنند. هنر افراد مشهور که حتی به واسطه ورزش به شهرت رسیدند و طرفداران قابل توجهی دارند تأثیر بسزایی در جهت‌دهی افکار عمومی جامعه به خصوص جوانان دارند. آن‌ها الگوی اخلاقی جامعه هستند اما به هر حال نگاه‌ها به آن‌ها است. اینکه هنرمندی در دید مردم سلامت زندگی کند، مهم است. شاید حتی در خلوت خود این‌گونه نباشد اما مهم است که در انظار عمومی چطور ظاهر می‌شوند. بیشتر از اینکه هنر روی هنری که عرضه می‌کند نقش داشته باشد خواست مخاطب است که باعث می‌شود فیلمی ساخته شود یعنی همان قانون عرضه و تقاضا.

بسیار مشاهده می‌شود که اشتباهات حقوقی در فیلم‌ها پیش می‌آید، در فیلمی فردی را به خاطر تصادف و مرگ طرف، فرد تا پای چوبه دار بردند. یا در فیلمی ترویج می‌داد، نداشتن قانون بهتر از قانون بد داشتن است؛ در حالی که در ابتدای علم حقوق وجود هر قانونی ولو بد، بهتر از بی‌قانونی است. در اصلاح این‌ها نظام حقوقی شاید بتواند به‌عنوان مشاور در فیلم‌ها فعالیت کرده و به نوعی کمک کند تا پیام فیلم درست و البته مؤثرتر ارائه شود و آثار مثبت خود را در بحث

پیشگیری از وقوع جرم داشته باشد. در کوتاه مدت با دو راهکار بررسی فیلم‌ها از لحاظ حقوقی و رفع مسائل حقوقی توسط حقوقدانان و بررسی تأثیر حقوقی مخرب یا مثبت بتوان کاری کرد البته نه در چارچوب بررسی‌های دولتی. دومین راهکار این است که از دانشگاه‌ها و کارشناسان برای ارائه یک فیلم خوب کمک بگیریم.

قوه قضاییه می‌تواند با کمک هنر، مستند و فیلم‌های داستانی نیز برای فعالیت در زمینه پیشگیری از وقوع جرم بسازد. هنگامی که صحبت از پیشگیری از جرم می‌شود، ابزارها و وسایل متعددی می‌تواند به کمک آید تا میزان جرم و جنایت در جامعه کاهش پیدا کند. هنر، ابزاری کارآمد در این رابطه است که هنوز از ظرفیت‌های آن در پیشگیری از جرم استفاده نشده است. چنان‌که کارشناسان بر آن تأکید دارد، هنر بر افکار و رفتار شهروندان تأثیر فراوان دارد و جامعه‌ای که انس بیشتری با هنر دارد، کمتر به سوی ارتکاب جرم می‌رود. بنابراین هنر و هنرمند در جامعه و افکار عمومی آن و همچنین جهت‌دهی و شکل‌گیری شخصیت افراد غافل و با کمک از این عنوان می‌توان پیام‌های دل‌خواه و مؤثر را به خورد مخاطب داد و آمار جرم و جنایت را در کشور پایین آورد. در بحث پیشگیری از جرم با قالب‌های هنری مهم است که پیام مرکز ثقل فیلم، ساختگی نباشد بلکه به نحو ظریفی با خواست افراد درون فیلم مرتبط باشد و غیرمستقیم به مخاطب منتقل شود تا از شکل و شمایل سفارشی بودن خارج شود.

درواقع همان‌گونه که هنر باعث می‌شود تا انسان تعالی و رشد پیدا کند، همان‌گونه نیز هنر آلوده به ابتذال می‌تواند او را به قعر رذالت و پلیدی انسانیت بیندازد. هنر در واقع دلبه شمشیری است که هم می‌تواند بر له یا علیه صاحب خود باشد. هنرمند و کسی که در عرصه‌های هنری فعالیت می‌کند می‌بایست مؤلفه‌های بسیاری همچون، رفتارشناسی، روان‌شناسی، وضعیت عرف جامعه، علایق جامعه خویش را به خوبی بشناسد، نه اینکه صرفاً جلوی دوربین ظاهر شود و دیالوگی را تکرار کند. هنر جایگاه تجلی اراده انسان‌ها برای رسیدن به کمال است و از هر خطیب و سخنوری، نافذتر و از هر دستگاهی زودتر افراد را محاب به انجام عملی می‌کند. جرائم علیه منافی عفت از جمله جرائمی هستند که بی‌اغراق در جامعه امروزی رو به رشد است. استفاده از زبان هنر برای بیان عواقب این ارتیاطات خارج از عرف و خانواده می‌تواند دختران و پسران جوان را که اقدام به هر عملی می‌کنند تا به جنس مخالف خود نزدیک شوند، نهادینه‌سازی عواقب می‌تواند درصد بسیار زیادی از این ارتباطات را قطع می‌کند.

اینکه هنر و رسانه در جامعه مذهبی ایران توفیق چندانی نداشته‌اند، دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. نفوذ فرهنگی در دستگاه رسانه، نفوذ در برنامه‌ریزی کلان برای ارتقاء سطح هنر تصویری و رسانه‌ای جامعه، عدم ساخت فیلم‌های فاخر که چندین سال است رسانه رسمی ایران فیلمی درخورشان اهداف نظام اسلامی نساخته است و تلویزیون و سینما همگام با یکدیگر اقدام ساخت فیلم‌هایی با درجه اهمیت پایین و بعضاً نیز فیلم‌های طنزی که بیشتر به هجو شبیه می‌باشند تا طنزی که معضلات و چالش‌های روز جامعه را بیان کند.



## نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی نقش و ضرورت تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی‌الارض در حکومت و هنر اسلامی پرداخته شد. نتایج بر صحت فرضیه تحقیق دلالت دارد. براساس فرضیه تحقیق، افساد فی‌الارض مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد که اقسام فساد اداری از قبیل اختلاس و همچنین مواردی چون خویشاوندگرایی مغایر با عدالت و فلسفه تشکیل حکومت عدل اسلامی است که ضرورت تشکیل حکومت عدل مقابله با چنین جرایمی است. در واقع یکی از مهم‌ترین دلایل لزوم برقراری حکومت اسلامی عبارت است از تحقق عدالت و اجرای احکام الهی در راستای تحقق عدالت اسلامی در کلیه امورات زندگی. برخی از مصادیق افساد فی‌الارض نیز در تضاد با تحقق عدالت در جامعه است که حکومت عدل اسلامی متعهد به مقابله با این اقسام از فساد است. مصادیقی چون فساد اداری و اختلاس باعث تضییع حقوق همگانی و دست‌درازی عده‌ای خاص به بیت‌المال می‌شود که نوعی انحراف از عدالت اجتماعی است. از طرفی خویشاوندگرایی نیز باعث تضییع حقوق دیگران و نفی شایسته‌سالاری و لذا ایجاد فساد در جامعه می‌شود.

آستان هنر سراسر زیبایی و آموزش است. استفاده از هنر در جهت پیشگیری از افساد فی‌الارض با توجه به وسعتی که دارد باعث می‌شود هنر در تمامی عرصه‌ها جلوه پیدا بکند. استفاده از ظرفیت‌های هنر اسلامی با توجه به نفوذی که در میان افراد در جامعه دارد باعث می‌شود تا حدود زیادی راه پیشگیری از افساد فی‌الارض را بی‌ماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### کتاب‌ها

- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد. (۱۳۶۴). النهایة، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زادالمسیر فی علم التفسیر. عبدالرزاق المهدي، ج ۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۰ق). الصحاح، تهران: دارالکتب.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۱). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- دلاوری، محمدرضا. (۱۳۹۰). شرح و تحلیل قانون دیوان عدالت اداری، تهران: انتشارات جنگل.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق عدنان صفوان، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
- راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۵). فقه القرآن، قم: کتابخانه مرعشی.
- زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس، تهران: نشر دارالفکر.
- شاملو احمدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. بی‌جا: نشر دادیار.
- شعیری، تاج‌الدین. (۱۳۶۳). جامع الأخبار. قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۹۰). پرتوی از قرآن: تفسیر آیات سوره حمد و سوره بقره (جلد ۱)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نشر شهر زبان.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). حقوق اداری تطبیقی حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ، تهران: انتشارات سمت.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار، چاپ دوم، نجف اشرف: انتشارات کتابخانه حیدریه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۲). ترجمه تفسیر مجمع البیان جلد ۱، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی، تهران: فراهانی.

علیخانی، مهدی. (۱۳۹۴). رسانه و صهیونیست، تهران: انتشارات چراغ دانش.

طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.

قزائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

عمید، حسن. (۱۳۶۷). فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین، قم: دارالهجره دوم.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

گلیپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۱۷). الدر المنضود، قم: دارالقرآن.

مصطفوی، سیدحسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت ارشاد.

موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۳). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

#### مقالات

نقی زاده، محمد. (۱۳۹۲). نسبت و رابطه سنت، نوگرایی و مدرنیسم در مباحث هنری و فرهنگی، فصلنامه هنر (نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، شماره ۴۲، صص ۲۳-۱۳.

زاده، بهناز و نقی زاده، محمد. (۱۳۹۰). وجوه افتراق هنر مادی و هنر معنوی، مجله هنرنامه (نشریه تخصصی دانشگاه هنر)، شماره ۱۱، صص ۳۳-۲۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی